

نشریه ادب و زبان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال ۱۷، شماره ۳۶، پاییز و زمستان ۹۳

بررسی زبانی بیت‌ی از شاهنامه فردوسی (علمی - پژوهشی)*
سپردار و جوشن‌وران صدهزار / شمرده به لشکرگه آمد سوار

دکتر محسن صادقی محسن آباد
استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور مشهد

چکیده

این مقاله، به بررسی زبانی بیت‌ی از داستان رستم و سهراب در شاهنامه فردوسی اختصاص دارد. شاهنامه پژوهان، در تعیین نهاد این بیت با یکدیگر اختلاف نظر دارند. برخی «صدهزار سپردار و سوار جوشن‌ور» را نهاد می‌دانند، برخی دیگر معتقدند «سپرداران و جوشن‌وران» نهاد است، به نظر گروهی دیگر «صدهزار سوار سپردار و جوشن‌ور» نهاد بیت می‌باشد. اغلب شارحان شاهنامه «شمرده» را در این کاربرد، از مصدر «شمردن» به معنی شمارش شده و قید تأکید برای تعداد «صدهزار» می‌دانند. این مقاله با ذکر شواهدی نشان می‌دهد که بر پایه قاعده اختیار مطابقت یا عدم مطابقت صفت با موصوف معدود در شمار، «صدهزار سوار سپردار و جوشن‌وران» نهاد جمله است. «شمرده» نیز در زبان فارسی با افعالی، نظیر: آمدن، قدم گذاشتن، پانهادن، گفتن و مانند آن‌ها معمولاً به معنی آهسته، سنجیده و باتأنی به کار می‌رود و از منظر علم دستور زبان، وابسته فعل و قید حالت و روش است. این واژه، به ظاهر از زبان گفتاری به شاهنامه و برخی ترجمه‌های کهن قرآن کریم راه یافته است. بر این اساس، معنی بیت مورد

* تاریخ ارسال مقاله: ۹۳/۳/۲۷

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۳/۱۱/۲۶

sadeghi.m@pnurazavi.ac.ir

نشانی پست الکترونیک نویسنده:

بحث این گونه است: صدهزار سوار سپردار و جوشن‌ور (=جوشن پوش)،
آهسته و سنجیده به لشکرگاه آمدند.

واژه‌های کلیدی:

شاهنامه فردوسی، داستان رستم و سهراب، دستورتاریخی، زبان
گفتاری، شمرده.

۱- مقدمه

در میان داستان‌های شاهنامه، داستان رستم و سهراب بیش از سایر داستان‌ها مورد توجه شرح نویسان قرار گرفته است. با وجود این، در این داستان ابیاتی دیده می‌شود که معنی ارائه شده برای آن‌ها محل تردید است و برای فهم بهتر آن‌ها طرح پیشنهادهای تازه ضروری به نظر می‌رسد. در شاهنامه فردوسی گاهی به ضرورت وزن یا اغراض بلاغی-زیباشناختی ارکان جمله جابجا می‌شود، یا اجزاء یک رکن دستوری با فاصله از هم ذکر می‌گردد. به همین سبب، برای فهم معنی این گونه ابیات، علاوه بر معنی واژه‌ها و ترکیبات، شناخت دقیق اجزاء صرفی و تعیین نقش نحوی آن‌ها اهمیت بسزایی دارد. در همین راستا، این مقاله می‌کوشد با تبیین ساختار واژگانی، بررسی انتقادی دیدگاه شرح‌نویسان، و ذکر شواهدی از شاهنامه و دیگر متون زبان و ادب فارسی بیتی از داستان رستم و سهراب را مورد بررسی مجدد قرار دهد.

۱-۱- بیان مسأله

در داستان رستم و سهراب، پس از آن که گودرز، با تدبیر و زیرکی زمینه را برای آشتی رستم و کی کاووس فراهم می‌سازد، چنین آمده است:

بدو گفت رستم که گیهان تورا است / همه بندگانیم و فرمان تورا است
کنون آمدم تا چه فرمان دهی / روانت ز دانش مبدا تهی
بدو گفت کاووس کامروز بزم / گزینیم و فردا بسازیم رزم
بیاراست رامشگهی شاهوار / شد ایوان به کردار خرم بهار
همی باده خوردند تا نیمشب / به یاد بزرگان برگشاده دو لب
دگر روز فرمود تا گیو و توس / بیستند شبگیر بر پیل کوس
در گنج بگشاد و روزی بداد / سپه برنشاند و بنه برنهاد

سپردار و جوشن‌وران صد هزار شمرده به لشکرگه آمد سوار

(فردوسی، ۱۳۸۹، د ۲: ۲-۱۵۱)

سخن ما در این مقاله، درباره بیت پایانی است. بر اساس پانویشت چاپ خالقی مطلق (همان)، اختلاف دستنویس‌های شاهنامه در ضبط کلمات این بیت این گونه است:

ب (= دستنویس کتابخانه دولتی برلین): (به جای جوشن‌وران) جوشن‌فزون.

لن (= دستنویس کتابخانه عمومی لنینگراد)، پ (= دستنویس کتابخانه ملی پاریس)، ل (=

دستنویس کتابخانه بریتانیا در لندن): به لشکرگه آمد شمرده (پ: نبرده) سوار.

این بیت در چاپ‌های مشهور شاهنامه، مطابق با چاپ خالقی مطلق به متن برده شده است، اما شرح‌نویسان شاهنامه در تعیین نهاد/ فاعل بیت و علت ذکر نشانه جمع همراه با «جوشن‌ور» و نیامدن آن با «سپردار» اختلاف نظر دارند. در مورد نقش دستوری «شمرده» و معنای لغوی آن، اختلاف نظر آشکاری دیده نمی‌شود، اما با توجه به این که برخی شارحان هنگام ذکر معنی این واژه از قید تردید استفاده می‌کنند و برخی دیگر «صد هزار» در این کاربرد را نشانه کثرت می‌دانند، معنی ذکر شده برای این واژه نیز نیازمند بحث و بررسی بیشتر است.

۱-۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

شاهنامه فردوسی از مهمترین آثار ادب حماسی ایران و جهان است. این کتاب برای فارسی‌زبانان، افزون بر محتوی از منظر زبانی نیز اهمیت فراوانی دارد، زیرا بسیاری از واژه‌های اصیل فارسی و برخی ساخت‌های کم‌کاربرد دستوری از طریق این کتاب به روزگار ما رسیده است. به همین سبب، بررسی زبانی تک تک ابیات شاهنامه برای آگاهی از پیشینه زبان فارسی و تاریخ تکوین آن ضرورت دارد. افزون بر این‌ها، اشراف بر ویژگی‌های زبانی شاهنامه، برای تشخیص ضبط برتر در برخی ابیات اختلاف‌انگیز راهگشاست. استفاده از داستان رستم و سهراب، به عنوان منبع درسی دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی نیز بر اهمیت این گونه تحقیقات می‌افزاید.

۱-۳- پیشینه تحقیق

در یادداشت‌های شاهنامه در مورد این بیت آمده است: «شمرده یعنی "کامل، تمام و کمال": صد هزار سپردار و سوار جوشن پوشیده، تمام و کمال به لشکرگاه آمدند. در این جا جوشن‌وران صفت سوار است که از موصوف جدا افتاده و نشانه جمع بر پایان صفت آمده است.» (خالقی مطلق، ۱۳۸۹: ۵۲۰) از این یادداشت چنین فهمیده می‌شود که استاد خالقی مطلق، «صد هزار سپردار» را افرادی جدا از «سواران جوشن پوشیده» می‌داند. در یادداشت ایشان، شاهد دیگری نظیر «سوار جوشن‌وران» ارائه نشده است که در آن نشانه جمع در پایان صفت آمده باشد.

نظر دکتر کزازی در مورد این بیت، این گونه است: «پساوند جمع در «سپردار»، بر پایه «جوشن‌وران» سترده آمده است: «سپرداران و جوشن‌وران صد هزار...». از دید نحوی، می‌توان سپرداران و جوشن‌وران را نهاد جمله دانست و سوار را قیدی برای «آمدن»؛ بدین سان، ویژگی‌ای سبکی در بیت به کار رفته است. شمرده در معنی آمار و آمار گرفته به کار رفته است.» (کزازی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۶۰۹) این شاهنامه‌شناس شاهد دیگری، نظیر «سپردار» و «جوشن‌وران» ارائه نکرده است که در آن نشانه جمع در واژه اول، به قرینه واژه دوم حذف شده باشد. افزون بر این‌ها، دکتر کزازی از معدود شاهنامه‌پژوهانی است که «سوار» را قیدی برای «آمدن» می‌داند. با توجه به ابیات دیگری از شاهنامه که در آنها بین «سوار» و صفت/صفت‌های آن فاصله ایجاد شده، نظر ایشان نمی‌تواند مقرون به صحت باشد، از آن جمله است:

گزین کرد از ایرانیان سه هزار زره‌دار و برگستوان‌ور سوار
(فردوسی، همان، د ۶: ۲۱۰)

در غمنامه سهراب در مورد این بیت آمده است: «جوشن‌ور: جوشن‌دار «جوشن» جامه‌ای شبیه زره/ شمرده: ظاهراً کامل و تمام. «یعنی صد هزار سوار سپردار و جوشن‌دار تماماً به لشکرگاه آمدند.» (انوری و شعار، ۱۳۸۸: ۱۳۱) در این شرح، سپردار و جوشن‌ور دو صفت برای سوار دانسته شده، اما از علت ذکر نشانه جمع همراه با «جوشن‌ور» و نیامدن آن با «سپردار» سخن به میان نیامده است. آمدن قید تردید «ظاهراً» قبل از معنی «شمرده»، به طور غیر مستقیم احتمال نادرستی آن را گوشزد می‌کند.

طاهری مبارکه در این باره می‌نویسد: «جوشن‌ور: جوشن‌پوش؛ سپردار: سپردارنده؛ شمرده: شمارش شده. صد هزار لشکر مسلح و سوار بر اسب به لشکرگاه آمدند. پیام درونی، بیان کثرت.» (طاهری مبارکه، ۱۳۷۹: ۱۵۳) این شارح داستان رستم و سهراب، «صد هزار لشکر مسلح و سوار بر اسب» را نهاد جمله می‌داند، اما از آنجا که هسته این گروه، یعنی: «لشکر» در بیت مذکور وجود ندارد، نمی‌توان بطور دقیق در مورد این دیدگاه اظهار نظر کرد. وی پیام درونی این بیت را بیان کثرت می‌داند. بر این اساس، معنی ذکر شده برای «شمرده» (= شمارش شده) نمی‌تواند صحیح باشد.

جوینی بر آن است که: «جوشن‌ور: زره پوش. شمرده: شمار کرده، حساب شده (لغت‌نامه). یعنی: صد هزار سوار سپردار و جوشن‌پوش، درست و بی کم و کاست در لشکرگاه گرد آمدند.» (جوینی، ۱۳۸۲: ۱۷۷)

رستگار فسایی آورده است: جوشن‌ور: جوشن‌پوش. جوشن: جامه‌یی جنگی بود شبیه زره. شمرده: شمارش شده: دقیقاً صد هزار سوار سپردار و جوشن‌پوش. (رستگار فسایی، ۱۳۸۳: ۱۵۳)

رستگار فسایی و جوینی، معتقدند: نهاد جمله، «صد هزار سوار سپردار و جوشن‌ور» است. این شاهنامه‌پژوهان همانند انوری و شعار، «سپردار» و «جوشن‌ور» را دو صفت برای «صد هزار سوار» می‌دانند. در توضیحات این شرح‌نویسان شاهنامه نیز از علت ذکر نشانه جمع، همراه با «جوشن‌وران» و نیامدن آن با «سپردار» سخن به میان نیامده است.

۲- بحث

علمای بلاغت، در مبحث عیوب فصاحت، از موارد گوناگونی نام می‌برند که عدم رعایت آن‌ها، محل فصاحت است و از تأثیر کلام می‌کاهد. یکی از این موارد، ضعف تألیف است. کلامی که ضعف تألیف دارد معمولاً تعقید لفظی هم دارد (شمیسا، ۱۳۸۶: ۷۱). در این حالت، ارکان جمله جابجا می‌شود، یا بین اجزاء یک رکن فاصله می‌افتد؛ در نتیجه معنا نیز به روشنی منتقل نمی‌شود. هر چند، از نگاهی دیگر، می‌توان این گونه موارد را - به ویژه در شعر بزرگان زبان و ادب - مربوط به قلمرو علم دستور تاریخی دانست؛ زیرا بسامد نسبتاً بالای این دست شواهد، می‌تواند نشان دهنده این امر باشد که این نوع ساختار

جمله در ادوار کهن مرسوم بوده و در حرکت زبان به سوی سادگی بتدریج از بین رفته است.

بیت مورد نظر از داستان رستم و سهراب نیز از منظر عیوب فصاحت، تعقید لفظی دارد و از منظر دستورتاریخی، جایگاه اجزاء کلام در آن، با فارسی رایج در دوره‌های متأخر متفاوت است. همین امر، سبب شده است که شارحان شاهنامه، در خصوص اجزاء کلام و به تبع آن، درباره معنی این بیت عقاید گوناگون داشته باشند.

۲-۱- نهاد/ فاعل بیت

از مطالب پیش گفته این نتیجه حاصل می‌شود که شاهنامه‌شناسان در تعیین فاعل این بیت با یکدیگر اختلاف نظر دارند. برخی «صدهزار سپردار و سوار جوشن پوشیده» را نهاد/ فاعل بیت می‌دانند. برخی دیگر «سپرداران و جوشن‌وران» نهاد جمله است. گروهی نیز معتقدند «صدهزار سوار سپردار و جوشن‌دار» فاعل بیت است. در این میان، دیدگاه گروه اخیر، مبنی بر نهاد بودن «صدهزار سوار سپردار و جوشن‌ور» بیشتر مقرون به صحت است. با این توضیح که با بررسی این نوع ساختارها از منظر دستورتاریخی، تردیدی نمی‌ماند که ذکر نشانه جمع همراه با «جوشن‌ور» و نیامدن آن با «سپردار» را نباید از منظر انتقال یا حذف نشانه جمع بررسی کرد، بلکه باید درباره آن، از نظرگاه اختیار مطابقت، یا عدم مطابقت صفت با موصوف معدود در شمار سخن گفت. در شاهنامه فردوسی گاهی صفت از لحاظ شمار، با موصوف معدود مطابقت می‌کند، نظیر:

پس او فرستاد دارا سوار دلیران و پرخاشجویان هزار

(فردوسی، همان، د: ۵: ۵۳۹)

در این بیت، صفت‌های «دلیران» و «پرخاشجویان» با موصوف معدود، «هزار سوار»، مطابقت کرده است. در برخی موارد، صفت مانند دوره‌های متأخر و فارسی امروز به صورت مفرد می‌آید، مانند:

گزین کرد از ایرانیان سه هزار زره‌دار و برگستوان‌ور سوار

(فردوسی، همان، د: ۶: ۲۱۰)

در این بیت، صفت‌های «زره‌دار» و «برگستوان‌ور» با موصوف معدود، «سه هزار سوار»، مطابقت نکرده است.

گاهی نیز یکی از صفت‌ها، با موصوف معدود در شمار مطابقت می‌کند و دیگری به صورت مفرد به کار می‌رود، مانند:

بر تخت من تاختندی سوار سیه‌پوش و نیزه‌وران صد هزار
(فردوسی، همان، د ۲: ۲۵۰)

در این بیت، یک صفت، «سیه‌پوش»، با موصوف معدود، «صد هزار سوار»، مطابقت نکرده، ولی صفت دیگر، «نیزه‌وران»، مطابقت کرده است. یا:

یکی با سرافراز گردن‌کشان خنیده سواران دشمن‌کشان^۱
(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۵۲۱)

در این بیت نیز یک صفت، «خنیده»، با موصوف جمع: «سواران» مطابقت نکرده، ولی صفت دیگر، «دشمن‌کشان»، مطابقت کرده است. از همین نوع است بیت:

چو ارجاسب دید آن سپاه‌گران گزیده سواران نیزه‌وران
(فردوسی، ۱۳۸۹، د ۵: ۲۱۰)

که در آن، «گزیده» با موصوف جمع: «سواران» مطابقت نکرده، ولی صفت دیگر، «نیزه‌وران»، مطابقت کرده است. در بیت مورد بحث از داستان رستم و سهراب نیز یکی از صفت‌ها، «جوشن‌وران»، با موصوف معدود خود، «صد هزار سوار»، مطابقت کرده است و صفت دیگر، «سپردار»، مطابقت نکرده و به صورت مفرد بیان شده است. یادآوری این نکته نیز ضرورت دارد که در فارسی میانه نیز گاهی صفت از لحاظ شمار با موصوف خود مطابقت می‌کرده است و گاهی مطابقت نمی‌کرده است. (ابوالقاسمی، ۱۳۸۰: ۲۷۱).

در این میان، باید به دو نکته توجه داشت. نخست این که زبان پدیده‌ای اجتماعی است و در گذر زمان، در آن تغییر و دگرگونی ایجاد می‌شود. این تغییر و دگرگونی به سوی سادگی است، اما به کندی انجام می‌پذیرد. از این رو، در برخی آثار خلق شده در مرحله گذار، برخی ساخت‌های تصریفی یا نحوی قدیم و جدید به موازات هم به کار می‌رود، هر چند بتدریج بسامد استفاده از ساخت‌های جدید بر صورت‌های کهن پیشی می‌گیرد، تا

جایی که بکارگیری ساخت‌های قدیمی، از مقوله انحراف از هنجار به حساب می‌آید. نکته دوم این که ظهور و بروز همزمان دو قاعده زبانی، در یک واحد دستوری مشخص، به مبحث مطابقت یا عدم مطابقت صفت با موصوف معدود منحصر نیست، برای مثال: در بررسی شواهد مربوط به مطابقت یا عدم مطابقت فعل با نهاد معدود نیز مواردی یافت می‌شود که یک فعل، با نهاد معدود مطابقت کرده و دیگری به صورت مفرد آمده است: نخستین به پیش تو آید دو گرگ / نر و ماده هر یک چو پیلی سترگ

بسان گوزنان به سر بر سرو / همه رزم شیران کنند آرزوی
(فردوسی، ۱۳۸۹، ۵: ۲۲۵).

در شاهد فوق، برای فاعل معدود: «دو گرگ»، یک فعل مفرد: «آید»، آمده و یک فعل جمع: «کنند».

۲-۲- معنی لغوی «شمرده» و نقش دستوری آن

نظر شاهنامه‌پژوهان در خصوص «شمرده» در بیت مورد بحث از داستان رستم و سهراب این گونه است: «شمرده»: یعنی "کامل، تمام کمال". (خالقی مطلق، همان)؛ «شمرده»: در معنی آمار و آمارگرفته. (کزازی، همان)؛ شمرده: ظاهراً کامل و تمام (= تماماً). (انوری و شعار، همان)؛ شمرده: شمارش شده. پیام درونی [بیت]، بیان کثرت. (طاهری مبارکه، همان)؛ «شمرده»: شمار کرده، حساب شده (لغت‌نامه)، درست و بی کم و کاست. (جوینی، همان)؛ «شمرده»: دقیق، شمارش شده، بدون کم و کسر. (یاحقی، ۱۳۶۸: ۱۱۷).

با بررسی این نظرات، این نتیجه حاصل می‌شود که شارحان داستان رستم و سهراب «شمرده» را در این کاربرد، از مصدر «شمردن» به معنی شمارش شده و قید تأکید برای تعداد «صدهزار» می‌دانند. با این حال، در برخی شروح، نشانه‌هایی از عدم قطعیت دیده می‌شود که می‌تواند شک علمی را برای جستجوی بیشتر برانگیزد. از آن جمله است: استفاده دکتر انوری و شعار، از قید تردیدی «ظاهراً» و اذعان و اشاره دکتر طاهری مبارکه به این نکته که مفهوم درونی این بیت، بیان کثرت است. با در نظر داشت دیدگاه اخیر، بدیهی است وقتی مفهوم کلی بیت بیان کثرت باشد، آوردن «شمرده» برای تأکید بر تعداد دقیق «صدهزار» پذیرفته نیست. در فرهنگ شاهنامه (رواقی، ۱۳۸۹: ۱۶۲۴) بیت مذکور برای

«شمرده» شاهد نیامده است. اما بیت دیگری ذکر شده که از لحاظ اجزاء و ساختار کلام، با بیت مورد بحث شباهت‌های قابل توجه دارد:

که افراسیاب آمد و صد هزار گزیده ز ترکان شمرده سوار

(فردوسی، همان، د ۲: ۲۴۰)

دکتر رواقی معنی «شمرده» را در این بافت، «دستچین و منتخب» می‌داند. این نظر نیز محل بحث است؛ زیرا از یک سو منبع یا مبنای ارائه این معنی ذکر نشده، از سوی دیگر «منتخب و دستچین» معنای واژه دیگری در این بیت، یعنی: «گزیده» است.

در مورد معنی و نقش دستوری «شمرده»، باید دو نکته را در نظر داشت: نخست، تردیدی در این نیست که یکی از معانی «شمرده» دقیقاً همان چیزی است که شرح نویسان شاهنامه، در توضیح بیت مورد بحث آورده‌اند؛ اینک چند شاهد روشن و واضح در تأیید این مطلب ذکر می‌شود: «گفت: دوزخ به ما نرسد الا روزی چند شمرده (= معدوده) آنگه منقطع شود از ما» (خزائی نیشابوری، ۱۳۷۱: ج ۲: ۲۹)؛ «وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مُّعَدُّودٍ (= شمرده). سوره هود: ۱۰۴ (یا حقی، ۱۳۷۴: ج ۳، ۱۳۸۵)؛ «وَاذْكُرُوا اللّٰهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ (= شمرده). سوره بقره: ۲۰۳ (همان)؛ یا

حاتم ار مرده به مرده می‌دهد گردکان‌های شمرده می‌دهد

(مولوی، ۱۳۷۵: ۹۳۳)

سه ماه شمرده نبرد نام و نشان داند که بدان خون نبود مرد گرفتار

(منوچهری دامغانی، ۱۳۶۳: ۱۵۱)

چون بوسه‌های شمرده دهی از خراش تیغ می‌کش به سینه‌ام پی ضبط حساب خط

(جامی، ۱۳۸۹: ۲۴۴)

اما نکته دیگر این که، قطع به یقین با توجه به شواهد زیر، «شمرده» غیر از معانی پیش گفته، معنی دیگری نیز داشته و دارد که شرح نویسان شاهنامه به آن توجه ننموده‌اند: «وَرَتَلْنَاهُ تَرْتِيْلًا (شمرده شمرده خواندن) سوره فرقان: ۳۲ (یا حقی، همان، ج ۲: ۴۴۵)؛ «وَرَتَلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيْلًا (= شمرده بخوان) سوره زمل: ۴ (همان، ۴۴۶)؛ یا:

قدم شمرده گذارید که دل مایوس هزار شیشه درین دشت عمرگاه شکست

(بیدل دهلوی، ۱۳۷۶: ج ۱، ۷۵۵)

- جمعی که از ملایمت آزار دیده‌اند
بر برگ گل شمرده گذارند پای را
(صائب تبریزی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۰۵)
- قدم شمرده نهد عقل در قلمرو عشق
ز سنگلاخ، خطرهایست شیشه باران را
(همان: ۲۴۰)
- به منتهای مطالب رسیدن آسان است
اگر شمرده توان گذاشتن پا را
(همان: ۱۲)
- سخن شمرده و سنجیده گوی
که شاهد سخنان دروغ سوگند است
(همان: ۷۳۸)
- قدم شمرده نهد حسن در قلمرو خط
چو عاملی که به پای حساب می‌آید
(همان، ج ۲: ۲۰۴۰)

با دقت در این شواهد، درمی‌یابیم که «شمرده» در این کاربردها، همراه با افعالی، مانند: خواندن، گفتن، پانهادن، قدم گذاشتن، قدم نهادن و پا گذاشتن آمده است و باید آن را وابسته فعل و قید حالت و روش به معنی آهسته و باتأنی دانست. این واژه در فارسی امروز، نظیر: «آرام و شمرده بگو یا حسین» (هاتف، ۱۳۹۰)، یا «چقدر این دوست داشتن‌های بی‌دلیل/خوب است/ مثل همین باران بی‌سوال / که می‌بارد/ که می‌بارد» اتفاقاً آرام و شمرده شمرده می‌بارد» (جاویدپور، ۱۳۹۲) نیز همین کاربرد را دارد. بر این اساس، می‌توان این پیشنهاد را مطرح کرد که «شمرده» به همراه مصدر «آمدن» در بیت زیر از داستان رستم و سهراب:

سپردار و جوشن‌وران صد هزار
شمرده به لشکرگه آمد سوار
(فردوسی، ۱۳۸۹، د ۲: ۱۵۱-۲)

«صد هزار سوار سپردار و جوشن‌ور، شمرده به لشکرگه آمدند» و همچنین بیتی که در فرهنگ شاهنامه برای «شمرده» شاهد آمده:

که افراسیاب آمد و صد هزار
گزیده ز ترکان شمرده سوار
(همان: ۲۴۰)

«که افراسیاب و صد هزار سوار گزیده از ترکان، شمرده آمدند» به معنی آهسته، سنجیده و باتأنی است و از لحاظ دستوری باید آن را وابسته فعل «آمدن» و قید حالت و روش دانست.

به ظاهر، «شمرده» در این معنی، از زبان گفتاری و به عبارت بهتر، از زبان مردم به شاهنامه و برخی ترجمه‌های کهن قرآن کریم راه یافته است. این واژه متعلق به زبان گفتار، که تا مدت‌ها پس از سرایش شاهنامه فردوسی کمتر اجازه ورود به قلمرو شعر و ساحت زبان ادبی را داشت، در سبک هندی که نزدیکی به زبان کوچه و بازار یکی از مهمترین ویژگی‌های آن است (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۳۴) دوباره فرصت خودنمایی یافت و این حضور تا به امروز در فارسی معیار ادامه دارد.

۳- نتیجه گیری

توجه به برخی ساخت‌های صرفی و نحوی که در ادوار کهن مرسوم بوده و در حرکت زبان به سوی سادگی از بین رفته، یکی از مهمترین مواردی است که باید در شرح متون کهن فارسی به آن توجه شود. بر همین مبنا، در این مقاله بیتی از داستان رستم و سهراب مورد بررسی مجدد قرار گرفت و بر پایه قاعده اختیار مطابقت یا عدم مطابقت صفت با موصوف معدود در شمار این نتیجه حاصل شد که نهاد بیت مورد بحث «صدهزار سوار سپردار و جوشن‌وران» است. در ادامه با بیان شواهدی از متون زبان و ادب فارسی که در آن‌ها «شمرده» با افعالی، نظیر: آمدن، قدم گذاشتن، پا نهادن، گفتن و مانند آن‌ها به معنی آهسته، سنجیده و با تأنی به کار رفته است مشخص گردید که از منظر علم دستور زبان، این واژه در این کاربردها وابسته فعل و قید حالت و روش است. در پایان این احتمال نیز مطرح شد که «شمرده» در این معنی، از زبان گفتاری به شاهنامه و برخی ترجمه‌های کهن قرآن کریم راه یافته است.

یادداشت

این بیت در چاپ دکتر خالقی مطلق به این صورت آمده است:

یکی با سرافراز گردن‌کشان یکی با این سواران دشمن‌کشان

(فردوسی، همان، ۳: ۱۶۱)

فهرست منابع

- ۱- ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۸۰). **تاریخ زبان فارسی**. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- ۲- انوری، حسن و شعار، جعفر. (۱۳۸۸). **غمنامه رستم و سهراب**. ج ۳۱. تهران: نشر قطره.
- ۳- بیدل، مولانا ابوالمعانی عبدالقادر. (۱۳۷۶). **کلیات دیوان**. ج ۱. به تصحیح اکبر بهداروند و پرویز عباسی. تهران: الهام.
- ۴- جامی، عبدالرحمان بن احمد. (۱۳۸۹). **کلیات دیوان**. تهران: نیک فرجام.
- ۵- جاویدپور، هادی. (۱۳۹۲/۹/۱۲). «**شمرده شمرده می بارد...**». پایگاه آبنکار سلام، <http://javid1355.presfa.com>
- ۶- جوینی، عزیزالله. (۱۳۸۲). **داستان رستم و سهراب**. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۷- خالقی مطلق، جلال. (۱۳۸۹). **یادداشت‌های شاهنامه**. چاپ اول. دفترهای ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی).
- ۸- خزائی نیشابوری، حسین بن علی بن احمد. (۱۳۷۱). **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**. به تصحیح محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح. ج ۲. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۹- رستگارفسائی، منصور. (۱۳۸۳). **حماسه رستم و سهراب با توضیح و گزارش**. چاپ ششم. تهران: انتشارات جامی.
- ۱۰- رواقی، علی. (۱۳۸۹). **فرهنگ شاهنامه**. ج ۱. تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن».
- ۱۱- سرور یعقوبی، علی. (۱۳۸۱). **راز سپهر** (گزارش داستان رستم و سهراب - رستم و اسفندیار). تهران: انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی اراک.